

محمود شفیع‌زاده*

کرم جانی‌پور**

محمد باقر عامری‌نیا***

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۱۶

چکیده

کنش‌هایی نظیر اعتراض، اغتشاش، شورش غالباً در اثر اموری چون، نابسامانی‌ها و ناکامی‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... شکل می‌گیرند. این کنش‌ها که گاهی مسالمت‌آمیز و گاهی همراه با تخدیش، تخریب و تضعیف امنیت عمومی می‌باشد، نوعاً در راستای اعلام نارضایتی از وضع موجود و با هدف تقابل با حاکمیت و یا تغییر آن صورت می‌گیرد. اگرچه بسترهای پدیدآورنده سه مقوله یادشده یکسان است، لکن از نقطه نظر جرم‌شناختی ماهیتی واحد دارند، همچنان که نگاه فقه و قانون در مورد آنها متفاوت است. بدین توضیح که تجمعات اعتراضی مسالمت‌آمیز اساساً جرم نیست، بلکه حقی قانونی و مشروع است. کنش‌های مخل امنیت نیز درجه‌بندی می‌شود و به لحاظ مبانی یاد شده از جهت جرم‌انگاری وضعیتی متفاوت دارند. تجمع پاسارگاد که از نگاه متولیان امنیت عمومی هنجارشکنانه و انحرافی تلقی شد و از نگاه مباشرین آن اعتراضی مدنی، از جمله کنش‌هایی است که ضرورت تحلیل جرم‌شناختی دارد و می‌بایست در مطالعه‌ای بی طرفانه مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش پیش رو کوششی است در همین راستا که سعی نموده با مرزبندی عناوین یاد شده، به سهم خود وضعیت آن را روشن نماید.

واژه‌های کلیدی: اعتراض، نافرمانی مدنی، اغتشاش، پاسارگاد، تجمع.

* دانشجوی دوره دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، یاسوج، ایران.

** استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج، یاسوج، ایران. (نویسنده مسئول)، آدرس پست الکترونیکی: karamjanipour 1349@gmail.com

*** استادیار گروه فقه و حقوق، دانشکده حقوق و علوم اسلامی، استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج، یاسوج، ایران.

امروز ناآرامی و آشوب‌های شهری، با وجود شرایط حساس سیاسی و اجتماعی کشور از جمله مسائل عادی و متداول تلقی می‌شود، در جوامع مختلف دیگر، معمولاً آن را نشانه‌ی مردم سالاری و فضای باز سیاسی جامعه به شمار می‌آورند. در عین حال نمی‌توان انکار کرد که، کنش‌های سیاسی و اجتماعی امری سیال بوده و می‌توانند در چارچوب یک جریان به ظاهر سازنده اعتراضی آغاز و تدریجاً به اغتشاش، شورش و انقلاب و در نهایت تغییر نظام حاکم منتهی شوند. این پدیده در عین طبیعی بودن، از چنان اهمیتی برخوردار است که همواره اذهان نظام‌های سیاسی و دستگاه‌های امنیتی جوامع را به خود معطوف و مشغول ساخته است. محققان بسیاری نیز در جهت شناخت و احاطه‌ی علمی و مدیریت چنین اوضاع و احوالی تلاش می‌کنند. اما آنچه در این فرایند مایه نگرانی است، این است که، از یک سو آثار زیانبار اجتماعی و امنیتی آشوب و شورش برای نظام سیاسی حاکم و از سوی دیگر آسیب‌های احتمالی ناشی از برخورد ناموزون عوامل و نهادهای قانونی مأمورکنترل آن، می‌تواند خود زمینه ساز گسترش بحران و استمرار آن در گذر زمان شود. به ویژه آن‌که در چند ساله اخیر این مسئله در راستای راهبرد جنگ نرم در سیاست خارجی قدرت‌های معاند فرا منطقه‌ای چون آمریکا به شدت مورد توجه قرار گرفته و زمینه لازم برای پیگیری سیاست‌های مداخله جویانه آنها و عوامل منطقه‌ای آن تحت عنوان «تغییر از درون یا انقلاب‌های مخملی» در جوامع هدف، به شمار می‌آید. هم‌چنانکه بسترهای اعتراضی از قبیل ناکامی‌های ناشی از تحمیل فشارهای مضاعف و روزافزون به طبقات مختلف جامعه نیز در دستور کار آنان قرار گرفته است. از سوی دیگر سوء مدیریت عوامل اجرایی حاکمیت و قصور و تقصیرات بی شمار، واکنش توده‌ها را طبیعی و محق می‌نماید. لحاظ دو جریان ناهمگون ولی نقش آفرین، واکنش نظام سیاسی را نسبت به این کنش‌ها دشوار می‌نماید.

بیان مسئله

رفتارهایی نظیر «اعتراض، آشوب و شورش» در طول تاریخ (گذشته، حال و آتی) و در همه جوامع به علل مختلفی از سوی افراد و یا گروه‌های اجتماعی مطالبه‌گر رخ می‌دهند. افراد و گروه‌ها با ملاحظه نارسائی‌های اجتماعی، ناکامی‌های اقتصادی، سیاسی و عدم دستیابی به نیازهای مشروع و منطقی خود، دست به چنین تحرکاتی می‌زنند. لذاست که می‌بایست در روند مهار و کنترل این پدیده و احیاناً برخورد با عوامل، به اهداف و انگیزه توجه شود. ممکن است با توجه به شباهت‌هایی که میان کنش‌های افراد

وجود دارد، دست‌اندرکاران و مجریان قانون به هنگام برخورد با مسئله، نگاه یکسان داشته و روش واحدی را در برخورد اتخاذ نمایند، که این شیوه از منظر جرم‌شناختی پذیرفتنی نیست. چرا که طبیعی است، نارسایی‌ها و ناکامی‌ها در بخش‌های مختلف، موجبات بروز مجموعه‌ای از نارضایتی‌ها را فراهم سازد، و چنانچه حاکمیت نتوانست به اعتراضات منطقی افراد پاسخ مثبت بدهد، منطقی است که معترض عکس‌العمل بدتر از خود نشان دهد، و در مرحله بعد، با پیوند و مساعدت عوامل جانبی دیگر، اعم از داخلی و یا خارجی به عامل ناآرامی‌های اجتماعی و خشونت‌آمیز در قالب اغتشاش و شورش تبدیل شود.

ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی در کشورها خصوصاً جهان سوم به علل و عوامل مختلفی بستگی دارد، و دارای زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی است که این‌گونه کشورها را با خطر بی‌ثباتی و نا امنی مواجه می‌سازد. ایران بعد از انقلاب همواره با تهدیدات گوناگون مواجه بوده که مهمترین آنها اغتشاشات کوی دانشگاه تهران در سال ۸۲ و بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری سال ۸۸ در شهر تهران می‌باشد.

به‌طور کلی اغتشاشات به وجود آمده در کشور با زمینه سیاسی با هدایت عوامل خارجی و با به کارگیری ابزار مدرن رسانه‌ای از قبیل ماهواره، اینترنت، شبکه‌های رادیویی، تلویزیون، وسایل ارتباطی تلفن، موبایل، پیامک و شبکه‌های مجازی همراه بوده و سایر ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی را تحت تأثیر خود قرار داده است. بعد از انقلاب اسلامی یکی از مباحثی که در قانون‌گذاری ایران دچار تحول ساختاری شد، خشونت سیاسی و قیام علیه جمهوری اسلامی است. قانون‌گذار ایران در وضع مقررات و جرائم علیه امنیت، «قیام علیه حکومت اسلامی و طرح براندازی حکومت اسلامی» را جرم و آن را محاربه یعنی جنگ با خدا و رسول دانست. بدین ترتیب هرگونه تغییر و تحول در حکومت و ساختار قدرت به ساز و کارهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی محدود شده و اتخاذ تدابیر مغایر با آن به منزله جنگ و مخالفت با خدا و رسول تلقی گردید. (پیمانی، ۱۳۸۰، ص ۷۱). اگرچه به شرحی که به زودی خواهیم گفت، جرم-انگاری مزبور جای نقد جدی دارد.

در همین راستا یکی از موضوعات مهم نحوه برخورد با متهمین و مظنونین است، بویژه در موارد اخلال در نظم عمومی که رعایت حقوق جامعه، دستگیری و بازداشت متهمین و تحقیق از آنان اهمیت خاصی دارد، لیکن مرجع قضایی مکلف است حقوق و آزادی‌های فردی حقوق متهمین و مظنونین به ارتکاب جرم، حقوق شهروندانی که مرتکب جرم نشده‌اند بلکه مظنون و متهم به ارتکاب جرم هم نیستند را مورد حمایت قرار دهد. (مجیدی، ۱۳۸۶، ص ۱۳)

به هر روی اعتراض، آشوب، شورش و پیامدهای آن از نظر جرم‌شناختی، در شرایط حال و آینده، از جمله مسائل مهمی است که ذهن دست اندرکان و مردم را از باب علل بروز و ظهور و تشدید مسئله و روش‌های پاسخ‌گویی به آن معطوف داشته و وقوع مصادیق آن در مقاطعی جامعه را با چالش و تزلزل مواجه می‌سازد. روند برخورد با متهمین و عناصر دخیل در پدیده اعتراض، اغتشاش و شورش به دلیل ابهام در تفکیک سطح فعل و انفعالات، اهداف، انگیزه، سنخ‌شناسی عوامل دخیل و... نگرانی‌هایی را برای افکار عمومی به وجود آورده است، که ضرورت دارد با توسل به مبانی نظری، مبانی فقهی و قوانین و مقررات ذیربط مرزبندی و به دست اندرکاران آگاهی لازم داده شود.

هدف اصلی در این پژوهش؛ بررسی جرم‌شناختی اعتراض، آشوب، شورش و تبیین پیامدهای آن و همچنین بررسی و تبیین پیامدهای اجتماعی و حقوقی مسئله و تفاوت‌های آن از منظر فقه و حقوق و مقررات موضوعه است. لذا سعی شده است در روند تحقیق علل، زمینه‌ها و پیامدهای حقوقی اعتراض، آشوب و شورش از منظر جرم‌شناسی پاسخ داده شود. و از آنجا که بدو می‌بایست با مفهوم‌شناسی عناوین مرتبط زمینه درک تفاوت‌های یادشده فراهم گردد. میان کنش‌ها، تفاوت‌هایی وجود دارد که مجریان را مکلف می‌سازد تا در روند برخورد، به علل پدیدآورنده، بسترهای اجتماعی و انگیزه کنش‌گران توجه شود، اثبات گردد.

مفهوم‌شناسی

اعتراض

اعتراض در ادبیات سیاسی تعریف خاص خود را دارد. جان راولز (John Rawls) متفکر غربی در کتاب معروف خود تحت عنوان «نظریه‌ی عدالت» تعریف جامعی از اعتراض ارائه کرده است: «نافرمانی مدنی، خود را در کنشی علنی، مسالمت‌آمیز و وجدانی، اما مغایر قانون و معمولاً با هدف تغییر قوانین و یا تغییر سیاست حکومت متجلی می‌سازد.» در نافرمانی مدنی، امر «خشونت پرهیزی»، از عناصر و ارکان اصلی بوده و تعیین‌کننده است. «نافرمانی مدنی با مردم سالاری (دموکراسی) در تضاد نیست، اما با آن در رابطه‌ای تنش‌زا قرار دارد. ولی در هر صورت، مسالمت‌جویی مطلق، جزء لاینفک نافرمانی مدنی به حساب می‌آید. (بشیریه، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶) بنابراین می‌توان گفت اعتراض در ادبیات سیاسی شکل ساده نافرمانی مدنی و عاری از رفتارهای فیزیکی هنجارشکنانه افراطی است.

آشوب و اغتشاش عبارت است از؛ خشونت سیاسی نسبتاً خودانگیخته و سازمان نیافته همراه با مشارکت مردمی قابل ملاحظه، شامل اعتصابات سیاسی خشونت‌بار، درگیری‌های سیاسی و شورش‌های محلی. اغتشاش و آشوب یک موضوع و با ماهیت واحد هستند. (رابرت گر، ۱۳۷۸، ص ۱۷)

شورش

شورش عبارت است از؛ اقدام همراه با خشونت دسته‌ای از افراد که در مقابله با نظام حاکم بر هر مجموعه‌ای اتفاق می‌افتد و همواره بی‌نظمی و ناامنی با خود به همراه دارد. عمل مقابل شورش، سرکوب است. گاه به عبارت‌هایی نظیر اغتشاش، عصیان یا انقلاب نیز اطلاق می‌گردد. (پناهی، ۱۳۸۹، ۱۱۲). به همین دلیل شورش، بروز امواج نارضایتی در میان یک قشر یا اقشاری از جامعه، علیه نظام حاکم است که منجر به طغیان ناگهانی آنها می‌گردد؛ اما هدف نهایی هر شورش، تحقق یک خواست اجتماعی است که ممکن است از سوی حاکمیت پذیرفته یا رد گردد. شورش، ممکن است موجب ایجاد تغییراتی در سیاست‌ها، رهبری و یا نهادهای سیاسی جامعه شود؛ ولی ساختار و ارزش‌های مسلط سیاسی و اجتماعی را دگرگون نمی‌سازد. زیرا هدف شورش، تنها نفس تغییر است، بدون آن که جایگزینی در نظر داشته باشد. (محمدی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۲). اگرچه شکل همه شورش‌ها یکی است اما درون مایه هر شورشی با شورش دیگر حتی در همان جامعه و همان محل تفاوت دارد. دقیقاً مثل آتش‌سوزی است. هر شورشی ممکن است به خیزش و جنبشی تبدیل شود. همان گونه که آتش سوزی با انفجار تفاوت دارد و ممکن است به مسمومیت و مصلومیت و شکل‌های دیگر تبدیل شود.

انقلاب

انقلاب، یک تحول سیاسی پیچیده، طولانی و خشونت‌آمیز است که سازماندهی و بسیج سیاسی از مهم‌ترین ابعاد آن محسوب می‌شود. نارضایتی اجتماعی، پیدایش گروه-های بسیج گر، ناتوانی قوای سرکوب‌گر دولتی و کوشش برای ایجاد و ساخت جدید قدرت، عناصر اصلی هر وضعیت انقلابی را تشکیل می‌دهند. (کوهن، استفانفورد، ۱۳۷۰، ص ۸۵)

خیزش

خیزش اراده‌ای است متکی بر تفکر و تشکل که با حمیت عمومی صورت می‌گیرد، مرحله‌ای آبرومندانه‌تر از شورش است به لحاظ سیاسی. نه اینکه هر خیزشی به صواب باشد و نه اینکه هر شورشی نابه حق باشد. چه اینکه با انباشته شدن دردها و فشارهای دیرین، زمینه شورش یا خیزش به وجود می‌آید. (مطهری، ۱۳۷۰ ص ۷۶)

تظاهرات

تعریف تظاهرات تجمع همراه با حرکت جمعیت زیادی است که معمولاً در دو شکل قانونی و غیرقانونی بروز می‌نماید که راهپیمایی‌های انجام گرفته در روزهای تاریخی، حوادث مهم از جمله پیروزی بر دشمن، اعلام حمایت از نظام و تصمیمات دولت، غم و اندوه به مناسبت از دست دادن رهبران و شخصیت‌های مورد علاقه ملت، می‌تواند جنبه قانونی آن باشد و راهپیمایی طرفداران احزاب مخالف و جمعیتی که به مخالفت با تصمیمات در سطح ملی و یا محلی اقدام کرده‌اند، جنبه غیرقانونی آن می‌باشد. (بشیریه، ۱۳۷۳، ص ۱۳۸)

دیدگاه‌های نظری موضوع

در رابطه با جرم‌شناختی و تحلیل پدیده‌های مورد بحث، دیدگاه‌هایی ارائه شده که اهم آنها به طور گذرا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

رویکرد فشار^۱

نظریه پردازان فشار معتقدند؛ اگرچه اهداف اقتصادی و اجتماعی در بین تمامی طبقات اقتصادی مشترک هستند؛ اما توانایی دستیابی به آنها، به طبقه اجتماعی وابسته است. خیلی از مردم مایل به ثروت، املاک مادی، قدرت، پرستیژ و دیگر شاخص‌های رفاهی زندگی هستند؛ اما اعضای طبقه پائین قادر به دستیابی به این نمادها و موفقیت از طریق ابزار مرسوم نیستند. در نتیجه آنها احساس خشم، محرومیت و ناخشنودی می‌کنند و این به فشار برمی‌گردد. شهروندان طبقه پائین می‌توانند این شرایط را بپذیرند و در آن به عنوان مسئولیت اجتماعی زندگی می‌کنند و اگر هم ناراضی بودند، وسایل جایگزین

¹ Straintheorg

از قبیل سرقت، خشونت و توزیع مواد مخدر را انتخاب کنند تا به موقعیت برسند (ولد-برنارد-اسنیپس، ترجمه شجاعی ۱۳۸۰، ص ۲۳)

مرتون (rober merton) معتقد است که انحراف از ساختار و فرهنگ جامعه سرچشمه می‌گیرد. وی استدلال خود را با معیار توافق جمعی درباره ارزش‌ها آغاز می‌کند و معتقد است که تمام اعضای جامعه در ارزش‌های مشترک سهیم‌اند؛ اما از آنجایی که اعضای جامعه از لحاظ ساختارهای اجتماعی در موقعیت‌های مختلفی قرار می‌گیرند، برای درک ارزش‌های مشترک از فرصت‌های مساوی برخوردار نیستند. چنین وضعی ممکن است موجب انحراف شود. بنابراین ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه برای رفتار منحرف اجتماعی مردمی که در جایگاه‌های مختلفی قرار گرفته‌اند، ایجاد فشار می‌کند. به خاطر شکاف ساختی، از نظر اجتماعی بین آرزوها (اهداف مشترک) و دستیابی واقعی (دسترسی به ابزار اجتماعی برای رسیدن به این اهداف) آنومی (بی‌هنجاری) در نظام اجتماعی ایجاد شده است. (ویلیامز-دی مک شین- مترجم ملک محمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۱)

رویکرد یادگیری اجتماعی

نظریه یادگیری اجتماعی بر یادگیری در بستر اجتماعی تأکید دارد و معتقد است مردم از یکدیگر می‌آموزند. یادگیری می‌تواند براساس مشاهده، تقلید یا مدل‌سازی باشد. رفتار انحرافی و مجرمانه از طریق «معاشرت اغیار» یا «پیوند افتراقی» یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند «تبهکاران» آموخته می‌شود، برای آنکه شخص جنایتکار شود، باید نخست بیاموزد که چگونه جنایت کرد (کوئن، ۱۳۸۶: ۱۷۷). ساترلند معتقد است که رفتار مجرمانه از طریق کنش متقابل با دیگران آموخته می‌شود. افرادی که به قانون‌گریزی دست می‌زنند در «انتقال فرهنگ» خود، نه تنها تکنیک‌ها و چگونگی انجام رفتار تخلف‌آمیز را می‌آموزند، بلکه انگیزه، سائق و توجیه رفتار تخلف‌آمیز را نیز منتقل می‌کنند. افراد به این علت کج‌رفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنان بیش از ارتباط‌های غیرانحرافی‌شان است. این تفاوت تعامل افراد با کسانی که ایده‌های کج‌رفتارانه دارند نسبت به افرادی که از ایده‌های هم‌نوایانه برخوردارند (یعنی ارتباط بیشتر آنان با کج‌رفتاران یا ایده‌های کج‌رفتاری) علت اصلی کج‌رفتاری آن‌هاست. (صداقت، ۱۳۸۴، ص ۳۹ - ۳۷).

نظریه محرومیت نسبی

نظریه پردازان این تئوری (جیمز دیویس و تدگار) معتقدند؛ منشأ پرخاشگری، ناکامی حادث شده از محرومیتی است که شخص به جهات مختلف سیاسی- اقتصادی- فرهنگی احساس کرده و برای رفع و جبران آن وارد مرحله عمل (از فکر تا اقدام فیزیکی) می‌گردد، و در این رهگذر هرچه شدت ناکامی بیشتر باشد، شدت پرخاشگری بیشتر خواهد بود. محرومیت نسبی یعنی، احساس افراد مبنی بر وجود اختلاف میان توقعات و خواسته‌ها که مردم خود را مستحق آن می‌دانند با شرایط زندگی است. این نظریه دارای ۲ فرض اساسی است:

الف) ناکامی همیشه به برخی اشکال پرخاشگری می‌انجامد.

ب) پرخاشگری همیشه از ناکامی ناشی می‌شود. (گر، ۱۳۷۹، ص ۵۴)

رابرت گر Ted Robert gurr معتقد است که می‌توان انواع کنش‌های جمعی اعتراض‌آمیز را تبیین کرد، و اذعان می‌دارد: «پیش شرط لازم برای درگیری خشونت‌آمیز مدنی، محرومیت نسبی است. وجود فاصله میان انتظارات ارزشی، یا کالاهای، امکانات و خدماتی که مردم در زندگی به صورت توجیه پذیری خود را مستحق آن میدانند و قابلیت‌های موجود در محیط اجتماعی و فیزیکی، پاسخ‌گویی به این انتظارات، تصور محرومیت نسبی را به لحاظ اقتصادی، سیاسی و روان‌شناختی در گروه‌های اجتماعی، شکل می‌بخشد.» (گر، ۱۳۷۹، ص ۳۰۶)

هافر در تبیین جنبش‌ها از دیدگاه روان‌شناختی استفاده می‌کند و نظریه خود را تحت عنوان "ناکامی-پرخاشگری" نتوفرویدی مطرح کرده است. قالب کلی تئوری یا به تعبیری فرضیه اساسی او این است که ناکامی افراد علت پرخاشگری آنان می‌باشد. و از سوی دیگر "هرچه میزان ناکامی بیشتر باشد پرخاشگری افراد نیز بیشتر است" او این موضوع را در ارتباط با دو عنصر احساس ضعف و احساس قدرت در تبیین رفتار افراد بکار می‌گیرد بدین صورت که اگر ناکامی افراد همراه با احساس ضعف باشد، امکان رفتار مذکور بیشتر خواهد بود. (هافر، ۱۳۷۲، ص ۴۷) عنصر دیگری را که هافر برای شکل‌گیری هر جنبش از مردم لازم می‌داند امید به آینده بهتر می‌باشد، و معتقد است؛ افرادی که حیات یک ملت یا جهان را تغییر شکل می‌دهند، نمی‌توانند صرفاً با ایجاد نارضایتی، احراز رهبری و قهرمانی و عنوان کردن ناخشنودی‌های مردم یا از طریق نشان دادن عقلایی بودن و مطلوبیت تغییرات مورد نظر یا به توسل به زور و جبر به منظور کشاندن مردم به راه جدید زندگی به تحول مطلوب خویش دست یابند آنان باید راه بر افروختن و دامن زدن بر شعله‌های امید را بدانند. (هافر، ۱۳۷۲، ص ۴۹)

صاحب‌نظران از تلفیق نظریه‌ها به عنوان راهی برای کاهش جرم بهره می‌جویند. و معتقدند با تلفیق دیدگاه‌ها، نظریه‌های حاصل شده، توانمندتر خواهند بود، بدین گونه که می‌توانند بیشتر دگرگونی‌های جرم را تبیین نمایند. البوت و همکارانش، در مقاله‌ای برای تبیین بزهکاری و مصرف مواد مخدر، دیدگاه‌های فشار، کنترل اجتماعی و یادگیری اجتماعی را با هم ترکیب نمودند. آنها این کار را ابتدا با تلفیق نظریه‌های فشار، با نظریه‌های کنترل اجتماعی، پس از آن با تلفیق نظریه‌های یادگیری اجتماعی با نظریه‌های کنترل و سرانجام با ترکیب هر سه اینها تحقق بخشیدند (ولد، ۱۳۸۰، ص ۴۰۸).

نخستین گام متضمن تلفیق نظریه‌های فشار و کنترل بود. آنها با طرح این بحث که کجرفتاری و قانون‌گریزی پاسخی است به ناتوانی واقعی یا مورد انتظار، در بدست آوردن نیازها و هدف‌های القایی از سوی جامعه (جایگاه اجتماعی، ثروت، قدرت، پذیرش اجتماعی و...)، نظریه‌های فشار را توصیف نمودند. بالعکس، نظریه کنترل بر این باور است که قدرت علقه‌های اجتماعی مرسوم، با احتمال درگیری فرد در کج رفتاری، رابطه معکوس دارد. از این رو نظریه کنترل، انگیزش مداوم برای ارتکاب جرم را مفروض می‌انگارد و کانون توجه خود را بر قدرت پیوند با نهادهای اجتماعی متمرکز می‌کند، در حالی که نظریه‌های فشار، گره با نهادهای اجتماعی را مفروض می‌انگارد و به انگیزش ارتکاب جرم توجه می‌کند (ولد، ۱۳۸۰، ص ۴۰۸).

هنگامی که یک فرد فشار قوی و کنترل ضعیفی را تجربه می‌کند، بزهکاری باید در بالاترین حد باشد. آنها مدعی هستند فشار، یکی از سرچشمه‌های کنترل اجتماعی ضعیف است؛ یعنی فشار، پیوند یک شخص را با نهادهای اجتماعی مرسوم تضعیف می‌نماید. آنها قبول دارند که عوامل دیگر کنترل اجتماعی ضعیف، ناکافی بودن جامعه‌پذیری و بی‌سازمانی اجتماعی می‌باشد؛ ولی معتقدند که بی‌سازمانی اجتماعی، احتمال فشار را نیز افزایش می‌دهد. (شجاعی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۱).

کاربرد تئوری‌ها در اعتراضات سیاسی اجتماعی

از شرح تئوری‌های ذیربط، چنین استفاده می‌شود که؛ هر یک نسبت به دیگری رویکردی متفاوت نسبت به جنبش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی دارد. به خصوص هرکدام از رویکردها بر جنبه‌های خاصی از ناآرامی‌های اجتماعی تأکید داشته و از برخی جنبه‌های دیگر نیز غافل مانده‌اند. با عنایت به تئوری‌های ارائه شده و ویژگی‌های خاص موضوعات اعتراض، اغتشاش و شورش، و لحاظ اینکه هدف ما بررسی چند وجهی موضوع بوده، نتایج ذیل حاصل می‌شود:

نظریه ارزش افزوده نیل اسملسر (nil Smelser) جامعه‌شناس معتبر معاصر در کتاب "نظریه رفتار جمعی" مناسب‌ترین تئوری برای تبیین عوامل و چگونگی فرایند شکل‌گیری ناآرامی‌های اجتماعی است. از نظر او، نوسازی جامعه و گسترش تقسیم کار و تنوع ساختاری موجب اختلال در همبستگی اجتماعی می‌گردد. در این شرایط، احتمال وقوع انواع رفتار جمعی مانند؛ آشوب، شورش، جنبش اجتماعی، حرکت‌های جمعی و انقلابی افزایش می‌یابد، در نتیجه پیدایش فشار روحی و اضطراب و عدم تعادل، نارضایتی نسبت به عملکرد نهادهای مستقر افزایش می‌یابد، و مردم در آرزوی وضعی بهتر دست به خیال‌پردازی می‌زنند، و همین فعالیت منبع تکوین ایدئولوژی است، به ویژه افرادی که واجد همبستگی اجتماعی چندانی نیستند، برای حل دشواری‌ها، اندیشه‌های جدیدی پیش می‌نهند. (بشیریه، ۱۳۷۳، ص ۵۹)

جیمز دیویس (jams Davies) در نظریه توقعات فراینده، ادعا می‌کند که، انقلاب از محرومیت نسبی ناشی می‌شود نه از محرومیت مطلق. (پناهی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۲) فرض اصلی او در این نظریه این است که: هرگاه پس از یک دوره طولانی رشد اقتصادی و اجتماعی یک دوره برگشت سریع اتفاق بیفتد احتمال وقوع انقلاب بیشتر می‌شود.

دورکیم (dorkhaim) معتقد است، هنگامی که آرزوهای انسان با امکان تحقق آنها هماهنگ نیست، فشارها موجب رفتار انحرافی نیرومندتری می‌شوند. (کوهن، ۱۳۷۰، ص ۲۰۶)

هیرشی (Hierarchy) در دو تحقیق خود نوعی الگوی کنترل اجتماعی را ارائه داده است، الگویی که پیدایش رفتار مجرمانه را معلول ضعف مشارکت در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و نیز تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌شمرد. (سخاوت، ۱۳۸۱، ص ۶۰)

اگنیو (Agnew) عنوان می‌کند که؛ بزهکاری نتیجه مستقیم تأثیرگذاری منفی خشم، ناکامی و احساسات مضر و زیان‌آور است که به دنبال مناسبات اجتماعی مخرب و منفی به وجود می‌آید. (علیوردی‌نیا و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۹۷)

آلبرت و کوهن (albert and kooheen) معتقدند که؛ افراد منحرف و بزهکار، آرمان‌ها و اهداف مقبول اجتماعی و فرهنگ جامعه را پذیرفته‌اند؛ ولی به علت شکست و یا عدم فرصت مناسب و کافی برای دستیابی به اهداف مقبول و پسندیده اجتماعی، دچار محرومیت شده و لذا آرمان‌های موفقیت و اهداف مقبول و متداول در جامعه را با ارزش‌ها و هنجارهای دیگری برای بدست آوردن منزلت و وجهه جایگزین می‌سازند و در نتیجه خرده فرهنگ بزهکاری بوجود می‌آید. (آزاد، ۱۳۷۳، ص ۷۴)

کلوارد و اوهلین (cloward and ohlin) معتقدند، انواع فرصت‌های نامشروع و توزیع آنها محتوی خرده فرهنگ بزهکار را تعیین می‌کند. این خرده فرهنگ خود را در سه شکل مختلف نشان می‌دهد: خرده فرهنگ جنایتکار، خرده فرهنگ ستیزه جو، خرده فرهنگ گوشه‌گیر و انزواطلب. (صفوی، ۱۳۷۰، ش ۷)

از نظریات آگنیو، آلبرت و کوهن و کلوارد و اوهلین این فرضیه استخراج می‌شود که، بین ناکامی و احساس محرومیت و گرایش به اعتراض و اغتشاش و شورش ارتباط وجود دارد، و موضوع ناکامی و احساس محرومیت یکی از علل اصلی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی در بروز حوادث و رخداد‌های اجتماعی امنیتی است.

کارل مارکس (Karl Marx) بیشتر جرم‌ها و رفتارهای قانون‌شکنانه به وسیله طبقات پایین انجام می‌شود و این نه به دلیل تمایل و علل روان‌شناختی مربوط به فقرا و طبقات پایین است، بلکه به علت محدودیت‌هایی است که از طریق طبقه مسلط بر ابزار و نهادهای قدرت بر طبقات پایین و فقرا اعمال می‌شود. (ملک محمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۵)

تد رابرت‌گر (Ted. Rabert. Ger) بر این اعتقاد است که؛ «پیش شرط لازم برای درگیری خشونت‌آمیز مدنی، محرومیت نسبی است. وجود فاصله میان انتظارات ارزشی، یا کالاهای، امکانات و خدماتی که مردم در زندگی به صورت توجیه‌پذیری خود را مستحق آن می‌دانند و قابلیت‌های موجود در محیط اجتماعی و فیزیکی، پاسخ‌گویی به این انتظارات، تصور محرومیت نسبی را به لحاظ اقتصادی، سیاسی و روان‌شناختی در گروه‌های اجتماعی، شکل می‌بخشد.» (گر، ۱۳۷۹، ص ۳۰۶)

تصویر کلی ترسیم شده از نتایج و پیامدهای «محرومیت نسبی» توسط «گر» این گونه است که خشونت مدنی به عنوان نوعی پرخاشگری، نتیجه احساس ناکامی است و محرومیت نسبی، یکی از مهمترین منابع ایجاد ناکامی است. محرومیت نسبی (اعم از فردی یا جمعی) نتیجه احساس وجود شکاف غیرقابل تحمل بین توقعات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی است.

از نظر اریک هافر، ویژگی مشترک افراد؛ ناکامی آنان از رسیدن به موفقیت‌های مورد نظرشان در زندگی می‌باشد و در نتیجه آماده نارضایتی و طغیان هستند، به عبارت دیگر "شورش از قوانین در طبع افراد ناراضی است" و افرادی دست به طغیان می‌زنند که دارای ناکامی شده‌اند.

پس از طرح مبانی نظری مربوط به موضوع، اکنون به موضوع اصلی یعنی «تجمع اعتراضی پاسارگاد» می‌پردازیم.

متن واقعه

خبرگزاری‌های مختلف از جمله، باشگاه خبرنگاران جوان^۱ سایت تابناک، سایت عصر ایران^۲ مراسم گرامیداشت روز جهانی کوروش^۳ در پاسارگاد را در ۷ آبان ماه ۹۵ هرکدام به نحوی پوشش دادند. پردازش این خبر از سوی خبرگزاری‌های وابسته به نظام به این شیوه، صرفاً بازگو کردن یک لایه بسیار سطحی از یک ماجرای پیچیده بود که نیازمند آشکار ساختن لایه‌های مبهم آن در قالب پاسخ‌گویی به شاخص‌های اساسی است. شامل: واکاوی مکان گردهم آیی، واکاوی زمان گرد هم آیی، واکاوی مشارکت-کنندگان، واکاوی انگیزه‌ها و دلایل حضور و واکاوی چگونگی شکل‌گیری قضیه.

قبل از ورود در واکاوی‌های فوق‌الشاره، شرح مختصر واقعه این است که؛ پاسارگاد از سال ۱۳۸۴ به واسطه تبلیغ جمعی افراد در خارج از کشور در فضای مجازی، مبنی بر زیر آب رفتن تخت جمشید، شاهد تجمع ۱۰۰ نفره از اشخاص معترض در روز قراردادی تولد کورش بود. هم زمان نمودن تاریخ تولد قراردادی با تولد دو تن از شاهزاده‌های پهلوی (انتخاب روز ۷ آبان به عنوان روز نمادین کورش، میان ۴ آبان روز تولد محمدرضا پهلوی و ۹ آبان تولد رضا پهلوی)، این فرصت را برای عناصر ملی‌گرا فراهم نمود، تا ضمن بهره‌برداری از نارضایتی‌های موجود و سوء استفاده از نام کورش، با بسیج همه امکانات تبلیغی موجبات تحریک، ترغیب و تشویق مردم را در جهت حضور در تخت جمشید فراهم و با کنش‌های مختلف تضاد خویش را با ساختار سیاسی، اجتماعی و نوعاً مذهبی به نمایش بگذارند. تبلیغات موثر کنش‌گران آمار این جمعیت را سالانه افزایش و سرانجام در سال ۹۵ به بیش از ۱۰۰ هزار نفر افزایش داد. از مجموع کنش‌های ابراز شده، نوعی تعارض و ناهم‌نوازی با ساختمان مسلط در جامعه مشهود بود، که با واکنش بسیاری از طبقات و اقشار مختلف اجتماعی نیز مواجه گردید. هسته اصلی جریان در خارج از کشور با تشکیل گروهی وابسته به رضا پهلوی راه‌اندازی، و از ابتدای شهریور ۹۵ برنامه‌های خود را بر تولید و انتشار اطلاعیه‌های هماهنگی، تهیه شعارهای منسجم با رویکردهای ضد امنیتی، و... با هدف تشویق و ترغیب کاربران بر ارتکاب اعمال ضد امنیتی و... متمرکز نمودند. با انتشار آن در گروه‌های تلگرامی و به ویژه گروه‌ها و کانال‌های پان‌ایرانیست و ضد دین ترویج و به ایجاد فضای روانی خاص میان کاربران و بدنه اجتماعی دامن زدند. برخی از افراد در قالب

^۱ yjc.ir (1395)

^۲ tabnak.ir (1395)

^۳ Cyrus (1395)

گروه‌های ۲۰ الی ۲۵۰ نفره منسجم شده و به سردادن شعارهای مخالف ساختار سیاسی و اجتماعی و مذهبی و به ظاهر ناسیونالیستی در خصوص کورش، وطن‌خواهی، عرب-ستیزی پرداختند. افراد عمدتاً جوانان با میانگین سنی بین ۲۰ تا ۳۰ سال و تقریباً از تمام استانها و از قومیت‌های مختلف و به صورت گروهی، تیمی و خانوادگی حضور یافتند.

تحلیل مکانی پاسارگاد (مقبره کوروش)

میراث جهانی پاسارگاد مجموعه‌ای از سازه‌های باستانی برجای مانده از دوران هخامنشی است که در شهرستان پاسارگاد استان فارس جای گرفته است. این مجموعه در برگیرنده آثار متعددی چون؛ آرامگاه کوروش، مسجد، باغ پادشاهی، کاخ دروازه، پل، کاخ بارعام، کاخ اختصاصی، دو کوشک، آب‌نماهای باغ شاهی، آرامگاه کمبوجیه، ساختارهای دفاعی تل تخت، کاروانسرای مظفری، محوطه مقدس و تنگه بلاغی است. که به عنوان پنجمین مجموعه باستانی ایران، در نشست تیرماه ۱۳۸۳ یونسکو در چین به دلیل داشتن شاخص‌های لازم با ۱۰۰٪ آراء در فهرست میراث جهانی به ثبت رسیده است.^۱

تحلیل زمانی رخداد ۷ آبانماه زاد روز تولد کوروش

نام کوروش در منابع مختلف به صورت‌های گوناگونی ذکر شده است. در سنگ‌نبشته‌های هخامنشی که به خط و زبان پارسی باستان نگاشته شده‌اند، بصورت «کورو» یا «کوروش» خوانده می‌شد. در نسخه عیلامی سنگ‌نبشته‌ها «کوراش» و در متون اکدی «کورِش» نوشته شده است. این نام در تورات بصورت «کورُش» و «کورِش» ضبط شده و در زبان یونانی آن را «کورُس» می‌گفته‌اند که همین نام با اندکی اختلاف در اروپا «سایروس» یا «سیروس» خوانده می‌شود.

وایسباخ آرامگاه کوروش را نه بنای مورد بحث در این نوشتار، بلکه بنایی موسوم به زندان سلیمان در پاسارگاد می‌داند که البته با یافته‌های باستان‌شناسی اکنون احتمال فراوان می‌رود که آرامگاه کمبوجیه باشد. مهم‌تر از همه در ویراست ۱۰ دانشنامه بریتانیکا (۱۹۰۲م) نوشته است: «آرامگاه مرغاب نمی‌تواند از آن کوروش باشد، چنان‌که غالباً گمان می‌رود.» و محل پاسارگاد نزدیک دارابگرد دانسته شده است. اما در ویراست ۱۱ همان دانشنامه (۱۹۱۱م) دوباره محل پاسارگاد را مرغاب و آرامگاه را به کورش ربط داده‌اند. با این حال در سال‌های آغازین قرن بیستم هنوز عامه مردم ایران آرامگاه را مشهد مادر سلیمان می‌دانستند. مؤمنان به زیارتش می‌رفتند و حاجت می‌طلبیدند. (کرزن، ۱۹۷۰، ص ۸۲)

^۱ <http://whc.unesco.org/en, 2004>

با این وجود که سند قطعی و علمی مبنی بر اینکه قبر کورش در این منطقه پاسارگاد باشد وجود ندارد و آنچه گفته شده است، حدس و گمان‌هایی است که چه بسا از واقعیت به دور است. اولین بار در اوایل دهه ۸۰ این موضوع را «انوشیروان کیهانی‌زاده» روزنامه‌نگار و تاریخ‌نویس در ستون «روزنامه‌ک» (یادداشت روز) در روزنامه «شرق» مطرح کرد. (محقق، ۹۰/۹/۷)

این در حالی است که، «رضا مرادی‌غیاث‌آبادی» مورخ دیگر می‌گوید: «نام sirius day که در تاریخ ۲۹ اکتبر تقویم بین‌المللی به ثبت رسیده، اشاره‌ای به نام ستاره شباهنگ است و ارتباطی به کوروش هخامنشی ندارد، چرا که نام کوروش به زبان لاتین اگرچه تلفظ هر دو به یک شکل است اما به‌گونه‌ای دیگری نوشته می‌شود. (cyrus) با این حال پس از آن تاریخ دوستداران و ناسیونالیست‌های افراطی هر ساله این روز را بیشتر از سال قبل تبلیغ می‌کردند، حال آنکه در هیچ جایی از تاریخ اشاره‌ای به این روز که ارتباطی با کوروش هخامنشی داشته باشد، نشده است». (محقق، ۱۳۹۰/۹/۷)

نامبرده می‌گوید: کشور ما مانند کشورهای تازه بنیاد و فاقد هویت تاریخی نیست که با ساختن تقویم و تاریخ قلابی به نام کوروش یا هرکس دیگری بخواهیم از راه آن تاریخ و فرهنگ‌مان را تبلیغ کنیم. عده‌ای بر آن شدند تا با برداشتن عنوان «جهانی» از آن «روز کوروش» را بسازند و دلیل نام‌گذاری این تاریخ را ورود کوروش به بابل بنویسند. این تاریخ‌نویس همچنین می‌افزاید: «به باور من نباید به این موضوع پرداخت و آن را جدی گرفت، چراکه به جدی گرفته شدن این نام‌گذاری جعلی کمک می‌کند و نباید فراموش کنیم که راه راستی از دروغ نمی‌گذرد. سفر به پاسارگاد و حضور در کنار آرامگاه کوروش هخامنشی راهی است که عده‌ای در این روز برای جدی گرفتن هفتم آبان به آن عمل می‌کنند،» (روزنامه شرق ۹۰/۹/۷)

مشارکت کنندگان

مشارکت کنندگان در این گردهم آیی را باید شامل دعوت کنندگان و حاضران در مراسم بدانیم؛ دعوت کنندگان به این مراسم بر اساس اسناد شامل گروه‌ها و دستجات زیر می‌باشند:

کمیته بین‌المللی نجات دشت پاسارگاد به سردبیری شکوه میرزادگی،^۱ رضاپهلوی فرزند محمدرضا پهلوی،^۲ وب سایت و شبکه‌های ماهواره‌ای صدای آمریکا، وب سایت و شبکه‌های ماهواره‌ای بی بی سی، حزب پان ایرانیسم، جبهه ملی ایران با وب

^۱ <http://www.savepasargad.com>

^۲ [http://rezapahlavi.org/fa/558/2009/\(1395\)](http://rezapahlavi.org/fa/558/2009/(1395))

سایت،^۱ مجموعه گروه آمدنیوز و گروه‌های وابسته، تعدادی از چهره‌های فرهنگی و هنری، روزنامه‌ها، خبرگزاری‌های رسمی و پایگاه‌های خبری - تحلیلی.

واکاوی انگیزه‌ها و دلایل حضور

تحلیل نظری

باتوجه به توصیف رفتار مشارکت‌کنندگان در مراسم روز کورش، می‌توان اذعان کرد که این رفتار یک رفتار جمعی و بیشتر شکل اعتراضی به شرایط سیاسی اجتماعی مسلط بر جامعه ایران و حداقل اعتراض به گفتمان حاکم بر نهادهای رسمی فرهنگی بود. برای تحلیل این رفتار می‌توان از نظریات متفاوتی کمک گرفت. ولی نظریه نیل اسملسر برای تبیین جامعه‌شناسی کیفری موضوع می‌تواند راه‌گشای خوبی باشد. در این میان زمینه ساختاری؛ شرایط کلی که مشوق یا مانع تشکیل انواع مختلف جنبش‌های اجتماعی است حائز اهمیت بیشتر است. چنین شرطی زمینه مساعدی را برای توسعه برخی از انواع جنبش اجتماعی فراهم می‌کند، هر چند به‌تنهایی جنبش را به وجود نمی‌آورد. هیچ رویدادی به ظهور جنبش نمی‌انجامد مگر اینکه یک گروه هماهنگ بسیج شده برای عمل، رهبری و نوعی وسایل ارتباط منظم بین شرکت‌کنندگان همراه با پشتوانه مالی وجود داشته باشد. عمل کرد کنترل اجتماعی مقامات حاکم نیز ممکن است با مداخله و تعدیل زمینه و فشار ساختاری به جنبش پاسخ دهند و بر پیدایش و توسعه آن تأثیر گذارند.^۲

زمینه ساختاری گردهم آیی

اگر بخواهیم ساختار فرهنگ ایران را ترسیم نمایم بخش زیادی از این فرهنگ شامل زبان، خط و تاریخ آن به وضعیت ایران قبل از اسلام برمی‌گردد. در مورد اعتقاد به کورش و میراث باستانی ایران، ملی‌گرایان و باستان‌گرایان و پان ایرانیست‌ها باور جدی به آن دارند. همچنان که در میان طیف اسلام‌گرایان می‌توان گفت، از میان پادشاهان قبل از اسلام، کوروش یکی از موجه‌ترین حاکمان تلقی می‌شود. تطبیق نام قرآنی «ذوالقرنین» بر وی توسط مفسر شهیر علامه سید محمدحسین طباطبایی در تفسیر آیه ۱۸۳ از سوره کهف ولو به صورت احتمال قوی^۳ باور مزبور را تقویت نموده است.

^۱ <http://jebhe.net>

^۲ نیل اسملسر ۶ شرط را برای جنبش‌های اجتماعی تبیین نموده است. (اسملسر، ۱۳۸: ۲۰-۱۷) شرایط مساعد ساختاری، فشارهای ساختاری، باورهای تعمیم یافته، عوامل تسریع‌کننده یا شتاب‌زا، بسیج مشارکت‌کنندگان برای کنش و فقدان کنترل اجتماعی.

^۳ ر.ک. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۳، صفحات ۵۲۶ تا ۵۴۴، انتشارات اسلامی، چاپ پانزدهم، قم، ۱۳۳۸

آیت الله مکارم شیرازی می‌نویسد: «درست است که در این نظریه نیز نقطه‌های ابهامی وجود دارد، ولی فعلاً می‌توان از آن به عنوان بهترین نظر درباره تطبیق ذوالقرنین بر رجال معروف تاریخی نام برد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۵۴۲)

نکته‌ای که در اینجا لازم به ذکر است اینکه، با وجود این که همه مردم ایران از هر قشر، قوم و مذهبی به اصالت تاریخی، باستانی پاسارگاد اذعان داشته و آن را از افتخارات خویش در سطح ملی و بین‌المللی می‌دانند، اما عده‌ای طی چند سال اخیر با بهانه قرار دادن نام کورش اصرار دارند تا اصالت تاریخی و باستانی این مکان را کم رنگ و یا نادیده گرفته و برعکس جنبه امنیتی به آن بدهند، و با ارائه اطلاعات برنامه‌ریزی شده، سعی بر تهییج افکار عمومی و سوء استفاده از ناآگاهان دارند.

عوامل شتاب دهنده

بی‌شک باید عواملی مثل بیکاری، نارضایتی اقتصادی، تحریم‌ها، فقر عمومی، اشرافی‌گرایی مسئولین، شکاف طبقاتی موجود و نابرابری‌های قومیتی، سخت‌گیری‌های بی‌مورد و بلا اثر را می‌توان به عنوان کاتالیزور و عوامل شتاب دهنده این ماجرا قلمداد نمود. شاید بسیاری از کسانی که در این مراسم مشارکت کردند و یا از طریق رسانه‌های مجازی اعلام موضع داشتند در مورد کورش و تاریخ ایران اطلاعات و جهت‌گیری خاصی نداشته باشند، ولی چون می‌توانند اعتراض خویش را نشان دهند، حداقل بهانه بودن آن جای تردید ندارد. در این تجمعات مجموعه‌ای از عوامل اعم از کنش‌های امنیتی، واکنش اجتماعی نظیر نارسائی‌ها و ناکامی‌های اقتصادی یعنی مجموعه‌ای از کنشها، ریشه‌ها و پیشران‌ها در آن نقش داشته‌اند. برخی مؤلفه‌های اساسی و مؤثر در شکل‌گیری و تداوم این جریان را می‌توان در قالب محورهای ذیل برشمرد:

- انباشت نارضایتی‌ها و روند افزایشی آن با محوریت اقتصاد و معیشت مردم.
- انتشار اخبار و اطلاعات مرتبط با روند رو به فزونی فساد اداری و مالی در برخی نهادهای اجرایی، و بهره‌برداری دشمن از تهدیدات و آسیب‌های مربوطه و سیاه‌نمایی و تبلیغات رسانه‌ای در جهت بی‌اعتماد ساختن مردم و تشویق و تحریک به تقابل آنان با حاکمیت و سرانجام ایجاد شکاف سیاسی و اجتماعی بین حاکمیت و توده‌های مختلف.
- نقش آفرینی فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های ماهواره‌ای و همچنین موج سواری گروه‌ها و جریان‌ات مخالف نظام با حمایت همه جانبه اجانب
- نقش آسیب‌های اجتماعی به خصوص آمار رو به فزونی بیکاری، طلاق، خودکشی، قتل، انواع کجروی‌های اجتماعی.

- افزایش روزافزون آمار بیکاران و بخصوص تحصیل‌کردگان و طلبکار بودن آنها از

حاکمیت

- بی‌هویتی جوانان بدون درک گفتمان انقلاب اسلامی

- احساس شکل‌گیری طبقه‌بندی و قشربندی اجتماعی جدید با ملاحظه تفاوت سطح زندگی برخی مسئولین با توده‌های مختلف.

- احساس تصاحب خدمات و امتیازات جمعی در سطوح مختلف با بهره‌گیری کامل از موقعیت اجرایی خود به نفع خود یا نزدیکان و در نتیجه ایجاد عقده برای توده‌های مختلف.

- احساس تضعیف عدالت در یک یا چند حوزه و در نتیجه تحریک و انگیزش‌های عقده‌ها در درون مردم.

- ملاحظه حضور جهره‌های پیر، تکراری و ناتوان در عرصه مدیریت کشور و بخصوص در ساختار اجرایی به عنوان کارگزار توسط نسل‌های جوان و در نتیجه ایجاد عقده برای جوانان تحصیلکرده و بیکار و ...

گروه سلطنت طلب

در تحلیل و شناسایی شکل‌دهندگان تجمع با توجه به پاره‌ای شعارها، می‌توان گفت که گروه هماهنگ سلطنت‌طلب نیز نقش‌آفرین بودند. این گروه از طریق فضای مجازی و با هدایت گروه‌های مخالفی نظام در خارج از کشور هدایت شد. اهداف آنها نیز اعلام مخالفت با حاکمیت دینی و ابراز تمایل به شاه‌خواهی و سلطنت‌طلبی بوده‌است. گردانندگان پروژه در صدد بودند تا خود را به عنوان یک جنبش سیاسی، اجتماعی و با رویکرد ملی و ناسیونالیستی و نماینده اقوام مختلف ایران مطرح کنند. آن‌ها امیدوار بودند با مدد گرفتن از کارکرد وسیع، مؤثر و فراگیر فضای مجازی، در امر تحریک و تخریب افکار عمومی، در گذر زمان و بخصوص در آتیه، افشار و طبقات گوناگون جامعه را منسجم‌تر به صحنه بکشانند، تا هویت ملی و دینی درهم تنیده و محصول چهارده قرن را تضعیف نمایند. این دسته از کنش‌گران با یدک کشیدن مقوله ارزشی «ملیت و هویت ملی» مصمم بودند، تا با موج آفرینی و شایعه‌سازی چنین وانمود کنند که این تجمع همگانی است.

هویت واقعی تخت جمشید به عنوان یک نماد ملی به مردم، حفظ انسجام و وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور است. در حالی که کنش‌ها، رفتارها و گفتارهای ابراز شده از سوی جماعت حاضر، در راستای تحریک و ایجاد تضاد میان اقوام با یکدیگر و بخصوص با قوم عرب ساکن در کشور بوده است، که خود به طور هم‌زمان دو هدف تجزیه‌طلبی در کشور و تعارض هویت تاریخی و دینی به ویژه دین اسلام را آشکار ساخته است. همان هویتی که بار اصلی جبهه و جنگ و مقاومت را به دوش کشید و سرمایه بقای انسجام ملی و تعالی کشور است.

تحلیل فقهی

پس از معرفی بسترهای جرم‌شناختی تجمع اعتراضی پاسارگاد، به تحلیل فقهی آن می‌پردازیم.

تجمع پاسارگاد منهای آن بخش از بدنه آن که هدف براندازی و یا هنجارشکنی اعتقادی و دینی را دنبال می‌کرد، بازتابی از لایه‌های نارضایتی اجتماعی بود که در فقه سیاسی یا فاقد عنوان مجرمانه است، یا دارای رویکرد انعطافی توأم با مدارا است. بدین توضیح که نافرمانی‌ها و اعتراضات مدنی را نمی‌توان با خشونت سرکوب کرد.

منظور از این نوع نافرمانی، هرگونه اعتراض و انتقاد حساسیت برانگیزی است که فرایند اجرایی مدل حاکمیت، نحوه عملکرد در موضوعات خاص، قانونگذاری‌ها، تصمیمات نظارتی و اجرایی، چگونگی مدیریت پدیده‌های خارجی و داخلی در زمینه سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، قضایی و غیره را به چالش کشانده و وضع موجود را نیز بحرانی می‌نمایند. در این مورد در اندیشه سیاسی اسلام، سیاست سرکوب حاکم نیست، بلکه به اعتبار منابع فقهی و دینی، سیاست تحمل و مدارا حاکم است. در خلال دوره حاکمیت پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) شاهد پاره‌ای رفتارها، هنجارشکنی‌ها، مخالفت‌ها، انتقادات تند و... از سوی مردم هستیم که با مدارای کامل به آنها پاسخ داده شده است. مخالفت‌های امام علی (ع) با برخی تصمیمات سخت‌گیرانه خلیفه دوم، توصیه او به مدارا با مردم، منشور حکومتی ایشان به مالک اشتر، همانند کلمات صریح دیگر آن بزرگوار منعکس در خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات حکمت‌بخشی از این مصادیق است. (عامری‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۴)

در دوره حکومت پنج ساله امام علی (ع)، این حوادث به طور مکرر اتفاق افتاده است. اعتراضات اتفاق افتاده در این دوره از تاریخ دولت اسلامی، اگر چه کنش‌ها عمدتاً توأم با خشونت و چیزی فراتر از چالش سیاسی بوده است، اما بعضاً در همین حد به عنوان یک اعتراض و مخالفت مدنی به آنها توجه شده است. به عنوان نمونه، نافرمانی - های گروهک خوارج در آغاز به همین صورت بوده است و واکنش امام علی (ع) به این جماعت یک خط و مشی روشنی را به بشریت تقدیم نموده است. (عامری‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۵)

در باب مدارا با معترضین؛ تاریخ طبری مطلب مهمی از رفتار امیرالمومنین با مخالفین خود نقل کرده است.

«امام علی (ع) در مسجد کوفه، خطبه می‌خواند، و خوارج از هر گوشه مسجد ناسزا می‌گفتند و شعار لاحکم الا لله را سر می‌دادند، امام در پاسخ آنان با خونسردی می‌گفت: خدا بزرگ است این سخن حقی است که باطل از آن اراده شده است، اما شما نزد ما سه

حق دارید مادامی که با ما هستید: شما را از ورود به مساجد خداوند منع نمی‌کنیم، شما را از سهم بیت المال منع نمی‌کنیم. با شما نمی‌جنگیم، مگر اینکه پیش‌دستی کنید» (آقابابایی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۴)

سیاست‌مدارا در قبال معترضین، در موارد مختلف اتفاق افتاده و به صورت اندیشه ثابت و روشن سیاسی در سیره امام (ع) تبلور پیدا کرده و آن بزرگوار بارها بر این سیاست خود تأکید ورزیده‌اند. این سیاست، نه تنها در مواجهه با خوارج، بلکه در موارد دیگر نیز اتخاذ شده است، نرمش آن بزرگوار در مواجهه با آشوب‌گران جمل و صفین در مراحل مقدماتی و پایانی، شاهد صدق مدعا و سند زنده تاریخی است، علی در واقع سیاست‌مدارا را تا آنجا که نظام اجتماعی از هم پاشیده نشود، ادامه می‌داد: «همانا اینان برای خصومت با زمام‌داری من با اجتماع انبوه برخاسته‌اند و من مادامی که از مختل شدن نظم جامعه نترسم، صبرخواهم کرد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹)^۱

در طول تاریخ و به‌خصوص از بدو ظهور اسلام پیامبر خاتم (ص) و اوصیای بعد از ایشان مواضع روشنی در برخورد با مقوله‌های اعتراض، اعتشاش و شورش داشته‌اند. مصادیق گوناگونی از مواضع پیامبر اسلام (ص) در رابطه با اعتراض و حرمت دیدگاه‌های مخالف وجود دارد، که مسیر را برای بشریت و به‌خصوص جامعه اسلامی روشن نموده و مبنای آن نیز «امت واحده» است. امت واحده مورد نظر اسلام همه فرق اسلامی را شامل می‌شود و صرف نظر از گمراه بودن برخی و یا بهشتی و جهنمی بودن برخی دیگر، هیچ فرقی میان ۷۳ فرقه درون این مجموعه، از این بابت وجود نداشته، و همگی در این عالم، امت اسلام تلقی شده و در دایره امت نیز قرار می‌گیرند.

تحلیل حقوقی تجمع پاسارگاد

به طور کلی راهپیمایی و تجمع و فعل و انفعالات اعتراضی مردم در این مکان، یکی از مظاهر آزادی در رویکردهای مدرن حقوق طبیعی و حقوق بشر و منطبق با اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر است، چرا که تجمعات به عنوان یک حق بنیادین در سند مذکور به رسمیت شناخته شده است. ماده ۲۰ اعلامیه جهانی در این زمینه مقرر داشته: «هرکس حق دارد از آزادی انجمن‌ها و مجامع مسالمت‌آمیز برخوردار باشد». حق تجمع و راهپیمایی به عنوان ابزاری برای بیان عقیده و اعتراض در اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است، اما در عین حال این آزادی مطلق نبوده و لزوم «کنترل و مقید نمودن

^۱ تعمیم ندادن عنوان «محاربه» بر شورشیان از ناحیه امام علی (ع) از یک سو و درج عنوان بغی بر آنان در فقه شیعه، نقطه عطف تاریخی در نحوه مواجهه با این پدیده سیاسی است که شاهد صدق مدعاست. (ر.ک: عامری‌نیا، همان)

آن» مورد تأکید این اسناد قرار گرفته است. مشخصاً ماده ۲۰ اعلامیه جهانی، حق جمعیت‌ها بر تشکیل آزادانه «مجامع مسالمت‌آمیز» تصریح داشته است.

ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی (مصوب دسامبر ۱۹۶۶ میلادی) تشکیل مجامع مسالمت‌آمیز بدون محدودیت به جز موارد مقرر در قانون را «با رعایت مصلحت، امنیت عمومی، نظم عمومی، اخلاق عمومی و حقوق و آزادی‌های دیگران» مورد امعان نظر قرار داده است. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از قاعده فوق مستثنی نبوده، به همین خاطر است که آزادی راهپیمایی و تشکیل اجتماعات در اصل ۲۷ قانون اساسی مقید به قیودی مانند «عدم حمل سلاح و یا عدم اخلاف به مبانی اسلام» شده است. لیکن به اعتقاد متولیان امنیت عمومی، تجمع سال ۹۵ در پاسارگاد، به دلیل تأثیرپذیری از جریانات رسانه‌ای مخالف حاکمیت در داخل و خارج نظام و همچنین عناصر با دیدگاه‌های متعارض با جهت‌گیری‌های دینی و مذهبی، در صورت عدم مدیریت انتظامی و امنیتی، محتمل بود که به آشوب‌های فراگیر و احياناً شورش تبدیل گردیده و مراکز دولتی و خصوصی و توده‌های مختلف مردم نیز مورد تعرض قرار گرفته و هزینه‌های فراوانی را بر مردم تحمیل نماید. از طرفی موضوع اصل ۲۷ قانون اساسی که در مقام بیان و به رسمیت شناختن حق اعتراض درون نظام اسلامی است با اغتشاش، شورش و قیام عمومی علیه نظام متفاوت است. (اشکبوس، ۱۳۹۵، ص ۲۳)

مطابق تبصره ۴ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی کشور، برقراری امنیت اجتماعات فرهنگی و هنری بنا به درخواست برگزارکنندگان اجتماعات یاد شده با نیروی انتظامی خواهد بود. مطابق ماده ۵ همین قانون، شورای تأمین استان محل مناسبی برای اجتماعات تعیین می‌کند و مکان مورد نظر به پیشنهاد برگزارکنندگان و تایید شورای تأمین قابل تغییر است. با توجه به قیود مطرح شده در اصل ۲۷ قانون اساسی در خصوص آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها ضروری است نظارت و ارائه مجوز قبل از برگزاری مورد توجه قرار گرفته و پذیرفته شود، که در تجمع پاسارگاد مورد توجه تجمع‌کنندگان نبوده است. عمده افراد تحت تأثیر فضای رسانه‌ای ساخته شده توسط افراد واگرا و مغرض و به بهانه بازدید از مکان باستانی و تفریحی در این مکان گردهم آمده و پس از حضور با فعل و انفعالات و بیان اعمال و رفتار و گفتارهای مخالف حاکمیت و وضع موجود، نوعی انسجام و وحدت گروهی را برای مخالفت به وجود آوردند. جمعیتی متأثر از فضای رسانه‌ای و تبلیغات چند سایت مشخص و به منطقه دلالت و گسیل داده شدند. عده‌ای از این جماعت با گفتار مسالمت‌آمیز تعارض خود را با دین و فرهنگ حاکم به نمایش گذاشتند، که از مقوله اعتراض مدنی ارزیابی و محسوب می‌شود. ولی عده‌ای با فعل و انفعالات و یا گفتمان و سردادن شعارهایی، مبانی ضد ارزشی را تبلیغ و مبانی ارزشی را تخدیش می‌نمودند. آنان با بهره‌برداری از

جو به وجود آمده و تحت تأثیر فضای رسانه‌ای، شعارهای ساختار شکنانه سر داده و در مقابل نمادهای فرهنگی سجده نمودند، لذا تحت عنوان تبلیغ علیه نظام موضوع ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی مورد تعقیب قرار گرفتند. (شفیع‌زاد، ۱۳۹۶، ص ۱۲) ولی در کل باید اذعان داشت که، اساس تجمع سالانه مذکور در پاسارگاد اعتراض یا نافرمانی مدنی به معنای اعلام نارضایتی از قوانین، مقررات، سیاست‌ها و تصمیمات ناعادلانه حکومت، نوعی نافرمانی مدنی مصداق «رفتارهای حساسیت برانگیز مردم نسبت به حاکمیت» یا «تعرض مردم نسبت به حریم حاکمیت» یا «مقاومت‌های سیاسی در برابر دولت» یا «گستاخی‌های سیاسی اجتماعی» یا «هنجار شکنی‌های سیاسی» یا «بحران-سازی‌های سیاسی» است، که اقتضای تحمل مدنی، به معنای سعه صدر سیاسی، یا پذیرش فضای باز سیاسی و مانند اینها را دارد. (عامری‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۴)

در تجمع پاسارگاد رئیس حکومت، هیئت حاکمه و اساس نظام، و جمهوری اسلامی به عنوان مدل حاکمیت، قوانین، مصوبات، جریان‌های درون نظام مورد ایراد و انتقاد قرار گرفتند. شعارها، گفتارها و نوشته‌های حاکی از دیدگاه‌های ملی‌گرایی از طریق معترضین مطرح شد. در مجموع چند صدایی کردن ساختار سیاسی جامعه در کنش‌ها و واکنش‌های معترضین و اجتماع کنندگان کاملاً مشهود بود. از نقطه نظر علل و عوامل داخلی می‌توان گفت که ناتوانی و ضعف دولت‌ها در پاسخ به مطالبات مردم، زمینه‌ساز بود، چرا که نیازها و خواسته‌های روزافزون مردم برای اشتغال، مسکن، ازدواج و نیازهای روزافزون روانی و اجتماعی و مطالبات سیاسی آنان، وقوع کنش‌ها و تجمعات اعتراض-آمیز را اجتناب ناپذیر ساخته است. تبلیغ و افزایش ناراضایتی ناشی از احساس محرومیت نسبی، در تشدید برانگیختگی توده‌های مختلف اجتماعی و راه‌اندازی کنش-های خشونت آمیز مؤثر بوده است.

مجموعه‌ای از عوامل و به خصوص ناتوانی و ضعف دولت‌ها در پاسخ به مطالبات مردم، زمینه‌ساز بروز انواع اغتشاشات و بحران‌های اجتماعی و سیاسی است. به تعبیر دیگر نیازها و خواسته‌های روزافزون مردم برای مسکن، غذا و ازدواج و نیازهای روزافزون روانی و اجتماعی و مطالبات سیاسی، آنان را به ارتکاب کنش‌ها و تجمعات اعتراض‌آمیز ناگزیر ساخته است.

مهمترین ابزار جریان اعتراضی مورد نظر تضعیف ساختار مسلط، ایجاد دو قطبی‌های کاذب در بین توده‌های مختلف اجتماعی بوده است. معترضین در صدد بودند تا آن را به یک جنبش جامع و فراگیر تبدیل کنند، و با ایجاد شکاف اجتماعی، گسست‌های قومی، تشنت و واگرایی منتهی سازند. به رغم تلاش‌های انجام شده جهت بسیج مردم و نهادهای کردن شکاف اجتماعی، فضای مجازی به عنوان یک اهرم کلیدی برای مخالفین نظام نقش آفرین و مؤثر بود.

مطالبه‌گری مزبور در بخشی از بدنه تجمع گسترده پاسارگاد را نمی‌توان انکار کرد، لیکن از مجموع کنش‌ها و رفتارهای ظهور یافته از سوی برخی افراد در پاسارگاد مشخص بود که بسیج و انسجام این دسته نه از سرخودجوشی، بلکه هدایت‌شده، جهت‌دار، با هدف تقابل با ساختار سیاسی و اجتماعی مسلط جامعه بود، مدیران پشت پرده که از خارج هدایت مسئله را در فضای مجازی برعهده داشتند، در صدد بودند تا آن را به یک جنبش جامع و فراگیر تبدیل کنند، و با ایجاد شکاف اجتماعی، گسست‌های قومی، تشنت و واگرایی و در نهایت سرنگونی نظام منتهی سازند، و قصد داشت با « ناهمونوا ساختن بخشی از مردم با نظام فرهنگی و اجتماعی مسلط و نقض ارزش‌ها و

هنجارهای جامعه، فرایندهای جامعه‌پذیری و ادغام فرد در جامعه را با آسیب مواجه ساخته و فرهنگ قومی و گروهی و نژادی را در تعارض با فرهنگ رسمی و عمومی جامعه قرار دهد. این تعارض بستر مناسبی برای تشدید مقاومت‌های فرهنگی خرد در برابر فرهنگ رسمی را فراهم می‌آورد، و ممکن است در صورت عدم مدیریت مناسب به عنوان یک جریان فرهنگی و به اصطلاح مخملی موجبات تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه را فراهم سازد. با این وجود نمی‌توان این تجمع را بخصوص نسبت به بخش اعتراض مسالمت‌آمیز جرم‌انگاری نمود و نسبت به بخش دیگر آن منحصرأ نگاه امنیتی حداکثر نگاه قابل پذیرش در اندیشه سیاسی است، با این توضیح که؛ در مواردی که انگیزه براندازی به عنوان هدفی نامشروع و ضد امنیتی توسط ابزارها و روش‌های قانونی و مشروع و با استفاده از آزادی‌های مدنی و سیاسی از قبیل برگزاری تجمعات قانونی، انتشار کتاب و غیره تعقیب شود، نمی‌توان موضوع را مشمول عنوان طرح براندازی دانست و به صورت سخت افزاری و با اهرم کیفر و سرکوب مقابله کرد. آزادی بیان و اجتماعات و گردش صحیح اطلاعات، وسیله‌ای است برای اعلام عدم رضایت از حاکمان و رویه‌های حکومتی، که می‌توان به عنوان مخالفت‌های قانونی در حمایت قانون قرار گیرد و حکومت میتواند تهدیدات امنیتی آنان را به فرصت جلب رضایت و مشارکت هر چه بیشتر شهروندان و رفع اشکالات و ایرادات نهادها و رویه‌های خویش تبدیل نماید. در شرایط امروز به دلیل تغییر روش مبارزات در نظام بین‌الملل، و بخصوص آشکار شدن اثرات مخرب و مشهود جریان رسانه‌ای در دهکده جهانی، و در نتیجه کسب نتایج دلخواه نظام رسانه‌ای جهان با ایجاد «انقلاب‌های مخملی» به عنوان ابزاری اساسی و کلیدی در اختیار قدرت‌های سیاسی انحصارگرا و سلطه‌گر قرار گرفته است. برخی انقلاب‌های کشورهای آسیای میانه، پاره‌ای حوادث کشورهای عربی، و برخی از اعتراضات و ناآرامی‌های مقطعی در ایران، محصول این جنگ رسانه‌ای بوده است، و راه مقابله با آن بالطبع از طریق قدرت نرم بازدارنده خواهد بود، نه توسل به اقدامات سخت و سرکوبگر.

منابع

۱. نهج البلاغه
۲. آقابابایی، حسین، (۱۳۸۶)، بررسی فقهی، حقوقی جرم براندازی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳. بشیریه، حسین، (۱۳۷۳)، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. پیمانی، ضیاءالدین، (۱۳۷۷)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: نشر میزان.
۵. پناهی، محمدحسین، (۱۳۷۸)، جزوه درس جامعه‌شناسی انقلاب، دوره کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
۶. پناهی، محمدحسین، (۱۳۸۹)، نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها، تهران: سمت
۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، ج ۱۲، و ۲
۸. محمدی، منوچهر، (۱۳۷۰)، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران: امیرکبیر.
۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ بیستم، انتشارات صدرا.
۱۰. مرعشی شوشتری، محمدحسن، (۱۳۷۳)، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران: نشر میزان.
۱۱. جرج ولد، توماس برنارد، جفری اسنیس، (۱۳۸۰)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، چاپ اول، شرکت چاپ و نشر لیلی.
۱۲. فرانک ویلیامز، ماری لین دی مک شین، (۱۳۸۳)، نظریه‌های جرم‌شناسی، مترجم حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، نشر میزان.
۱۳. راب وایت، فیونا هیتس، (۱۳۸۲)، درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، مترجم میرروح الله صدیق بطحایی اصل، چاپ اول، نشر دادگستر.
۱۴. مارتین بالمر و جان سولوموز، (۱۳۸۱)، مطالعات قومی و نژادی در قرن بیستم، مترجمین پرویز دلیرپور و سید محمد کمال سروریان، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۱۵. صدیق سروستانی، رحمت اله، (۱۳۸۳)، آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: نشر آن.
۱۶. صفوی، امان الله، (۱۳۷۰)، تئوری‌های انحراف، رشد علوم اجتماعی، شماره ۷، وزارت آموزش و پرورش.
۱۷. کوهن، استفانفورد، (۱۳۷۰)، تئوری‌های انقلاب، علیرضا طیب، تهران: نشر دانشگاه تهران.
۱۸. لوی بول، هانری، (۱۳۷۱)، مسائل جامعه‌شناختی جزایی. ترجمه مصطفی رحیمی. تهران: سروش.
۱۹. ولد، جرج، و دیگران، (۱۳۸۰)، جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)، ترجمه علی شجاعی، تهران: سمت.
۲۰. رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۸۰)، تضاد و توسعه، تهران: انتشارات شرکت انتشار.
۲۱. سخاوت، جعفر، (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت.

۲۲. گر، تدرابرت، (۱۳۷۹)، چرا انسان‌ها شورش می‌نند، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۳. هافر، اریک، (۱۳۷۲)، پیرو راستین، ترجمه فیروزه خلعت بری، تهران، شب‌اوین.
۲۴. آزاد، تقی، (۱۳۷۰)، مقاله هزیمت جامعه شناسی مارکسیستی، کیهان فرهنگی، شماره ۷۴.
۲۵. هیوز، گوردون، (۱۳۸۰)، پیشگیری از جرم، ترجمه علیرضا کلدی، انتشارات سازمان بهزیستی کشور.
۲۶. نشریه امنیت، (۱۳۷۹)، بررسی عوامل امنیتی وقوع جرم، شماره ۵۵، صص ۱۹-۵۴.
۲۷. عامری‌نیا، محمدباقر، (۱۳۹۴)، مقاله تحمل مدنی، نظریه ای پویا در اندیشه سیاسی اسلام.
۲۸. شفیعی‌زاده، محمود، (۱۳۹۶)، مقاله واکاوی علل تجمع پاسارگاد، فصلنامه مطالعات حقوق، ش ۸، بهار ۹۶، صفحات ۲۳۷ تا ۲۶۱.
۲۹. حمزه اشکبوس، (۱۳۹۵)، بازخوانی جلسات شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان.